

اهداف ازدواج و کارکردهای آن از منظر اسلام

مهدیه آشتیانی عراقی*

سکینه آخوند**

چکیده

خانواده هسته اولیه تشکیل جوامع بشری است. فلاح و سعادت جامعه را باید در بنیاد استوار خانواده جستجو نمود. از آنجا که تنها راه فلاح و رستگاری پیروی از دستورات خداوند و عمل به قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام می باشد، سزاوار است هر مسلمانی به آنها تمسک و تاسی جوید و برای اداره زندگی از آنها الهام گیرد.

نوشتار حاضر در پی تبیین و بررسی اهداف ازدواج و ثمرات آن از دیدگاه اسلام می باشد که بدین منظور از روش توصیفی - تحلیلی بهره جسته است. مهم ترین اهداف تشکیل خانواده که از این مقال حاصل گردید عبارتند از: ایجاد حس سکونت و آرامش، تداوم نسل و تربیت نسل توحیدی که تربیت نسل توحیدی مهم تری هدف ازدواج است. از کارکردهای مهم ازدواج نیز می توان به تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل، تداوم شبکه های خویشاوندی، برآوردن نیازهای عاطفی، کنترل اجتماعی، برآوردن نیازهای حمایت، مراقبت و جامعه پذیری اشاره کرد.

کلید واژه: ازدواج، خانواده، کارکرد، رهبانیت، مودت، رحمت.

* دانش پژوه کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث، مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی.

** دکتری علوم قرآن و حدیث عضو هیئت علمی دانشگاه تفسیر و معارف قرآن.

خانواده کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. این اهمیت به چند دلیل است. اول اینکه خانواده از نظر جمعیتی و زمانی، فراگیرترین نهاد است، به گونه‌ای که زندگی افراد را از آغاز تا انجام دربرمی‌گیرد. دوم اینکه خانواده کانون تربیت انسان‌ها و مرکزی است که سرنوشت دنیا و آخرت انسان در آن رقم می‌خورد. سوم اینکه جامعه، از خانواده‌ها تشکیل یافته است. از این رو، سرنوشت جامعه با سرنوشت خانواده پیوند خورده است.

به دلیل اهمیتی که خانواده دارد، نمی‌توان به سادگی از آن چشم پوشید. عوامل مؤثر در موفقیت و کامیابی خانواده، ارزش و اهمیت بالایی دارد و این کامیابی، در گرو کسب مهارت‌های خانوادگی است. یکی از عوامل شکست و ناکامی خانواده، فقدان مهارت‌های لازم زندگی مشترک است. برای موفقیت خانواده، همچون دیگر امور زندگی، باید مهارت کسب کرد. اولیای دین، با توجه به اهمیت خانواده در زندگی انسانی، مطالب ارزشمندی را بیان نموده‌اند و احادیث، منبع مطمئنی برای یافتن اطلاعات لازم درباره خانواده و مهارت‌های زندگی زناشویی است.

مفهوم‌شناسی

«ازدواج» در لغت، از ریشه «زوج» گرفته شده و به معنای جفت و قرین شدن با یکدیگر می‌باشد، زن گرفتن، شوهر کردن، صنف. افزون بر این، به هر دو چیزی که با یکدیگر شبیه یا همانند باشند، (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۱۵۸/۲) چیزی را به چیزی پیوند دادن. (مهیار، بی‌تا، ۴۶۵/۱). در اصطلاح نیز تنظیم اشیا به صورت دوه‌دو است، مانند چرخ‌ها و ستون‌ها و غیره. (مهیار، بی‌تا، ۴۶۵/۱)

«خانواده» در لغت خاندان، دودمان، خیل خانه، تبار و تیره، دوده (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱) و مجموع افراد دارای پیوند سببی یا نسبی است که زیر یک سقف زندگی می‌کنند. (معین، ۱۳۶۳) در اصطلاح، خانواده عبارت است از زندگی مشترک زن و مردی که با پیمان شرعی آغاز می‌شود و بر پایه ولادت شرعی با فرزند یا فرزندان گسترش می‌یابد. (معین، ۱۳۶۳)

در لغت، «کارکرد» به معنی کار کردن، فعل، رفتار، زحمت، مزاحمت، زد و خورد، خدمت،

دهخدا، ۱/۱۳۸۵) اندازه و مقیاس کار انجام شده است. (معین، ۱۳۶۳) در اصطلاح این نوشتار نیز منظور از کارکرد، مجموعه فوایدی است که بر ازدواج مترتب می‌شود.

«رهبانیت»، مصدر «راهب» و به معنی تعبد در صومعه می‌باشد. (فراهیدی، ۱۰/۴۱۰ه، ۴/۴۸) همچنین گوشه‌نشینی و ترک دنیا، (مهیار، بی تا، ۴۶) بیم و ترس نیز معنا می‌دهد. (خسروی حسینی، ۱۳۷۵، ۲/۱۱۲) در اصطلاح، عمل عالمان مسیحی است که به نام زهد و عبادت از جامعه جدا می‌شوند و نفس خود را از لذت‌های دنیا بازمی‌دارند؛ به این معنا که ازدواج نمی‌کنند و غذای خوب و لذیذ نمی‌خورند. (قرشی، ۱۳۷۱، ۳/۱۲۵)

«مودت» نیز از ریشه «وَدَّ» و به معنای «دوست داشتن چیزی و آرزوی بقای آن» است. «وَدَّ» با ضمه حرف اول، محبت به چیزی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۵۱۶) صداقت، مهربانی، خیرخواهی، نیک‌اندیشی و دوست داشتن، (قرشی، ۱۳۷۱، ۷/۱۹۳) آرزو. (ابن منظور، ۱۹۶۷م، ۳/۴۵۴) در اصطلاح، مودت فقط به معنی دوستی و محبت است، ولی رحمت، فراتر از دوستی است، بلکه فداکاری و از خودگذشتگی از لوازم آن است. مودت، سرچشمه رحمت و رحمت، کمال مودت است. مودت، دوسویه است، ولی رحمت، یک‌جانبه و ایثارگرایانه است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱۶/۳۹۳) کلمه مودت، به معنای محبتی است که اثرش در رفتار ظاهر باشد، در حالی که رحمت، تأثیری نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی ندارد در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام عمل برآید و او را از محرومیت نجات داده، نقصش را رفع کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶/۲۵۰)

رحمت در لغت، شفقت، رأفت، آمرزش و مغفرت، باران، مهربانی و دلسوزی، عفو و بخشایش، نعمت و افضال است. (ابن منظور، ۱۹۶۷م، ۱۲/۲۳۰؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۳/۶۹) در اصطلاح نیز انفعال و تأثیری است که در وقت دیدن نیازمند، عارض قلب می‌شود و شخص را به رفع احتیاج و نقیصه شخص مقابل وادار می‌کند. این معنی با کمی تحلیل به «عطاء» و «فیض» برمی‌گردد و به همین دلیل، خداوند سبحان با صفت رحمت توصیف می‌شود؛ یعنی «رحمت» در مورد خدا به معنی «عطا» و «احسان» است، نه تأثر و انفعال قلب؛ زیرا در ذات باری تعالی، انفعال نیست. از سوی دیگر، رحمت خدا دو گونه است؛ یکی رحمت عام که شامل تمام موجودات است مانند خلقت، رزق و دیگری رحمت خاص و ویژه اهل ایمان

است و دیگران در آن سهیم نیستند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۹/۱)

اسلام و قداست خانواده

مطالعه متون دینی نشان می‌دهد که ازدواج و تشکیل خانواده، نه فقط با دین و ایمان منافاتی ندارد، بلکه در مکتب اسلام ازدواج، قداست نیز دارد و از جایگاهی بسیار والا برخوردار است. این حقیقت در متون دینی با تعبیرهای مختلف و در قالب‌های گوناگون بیان شده است.

۱. تشویق به ازدواج

برخی روایات، خانواده را محبوب‌ترین نهاد نزد خداوند متعال دانسته است. رسول خدا(ص) در این باره می‌فرماید: «ما بنی بناءً فی الإسلام أحبّ إلى الله تعالی من التّرویج؛ در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خداوند، محبوب‌تر و ارجمندتر از ازدواج باشد». (ابن بابویه، ۱۳۶۴، ۳۸۳/۳؛ مجلسی، ۵۱۴۰۳، ۲۲۲/۱۰۳) در روایت دیگری از آن حضرت، ازدواج مایه آبادانی خانه معرفی شده است:

تزوَّجوا و تزوَّجوا، ألافمن حظّ امریء مسلم إنفاق قیمة أیمة، وما من شیء أحبّ إلى الله عزّوجلّ من بیت یعمّر فی الإسلام بالنکاح. (کلینی، ۱۴۱۰هـ، ۵/۵؛ حرعاملی، ۱۳۶۷، ۵/۴)

ازدواج کنید و پسران و دختران مجرد را همسر دهید. نشانه نیک بختی مسلمان این است که مخارج شوهر کردن زنی را به عهده بگیرد و چیزی نزد حضرت حق، محبوب‌تر از خانه‌ای که در اسلام به سبب نکاح، آباد شود، نیست.

در برخی دیگر از روایات، تصریح شده که درهای رحمت خداوند، هنگام ازدواج گشوده می‌شود:

یفتح ابواب السماء بالرحمة فی اربع مواضع: عند نزول المطر، و عند نظر الولد فی وجه الوالدین، و عند فتح باب الکعبة، و عند النکاح. (شعیری، ۱۴۰۵هـ، ۲۷۲/۷۴۲؛ مجلسی، ۵۱۴۰۳، ۲۲۱/۱۰۳)

درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می‌شود؛ موقع بارش باران، زمانی که فرزند به چهره پدر و مادرش می‌نگرد، هنگام گشوده شدن در کعبه، و هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در روایتی دیگر می فرماید:

ما استفاد امرء فائدة بعد الاسلام افضل من زوجة مسلمة تسره اذا نظر اليها،
تطيعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها في نفسها و ماله. (ابن بابويه، ۱۳۶۴، ۲۵۵/۳)
پس از اسلام، هیچ نعمتی برای مرد بهتر از زن مسلمانی نیست که هر گاه به او
بنگردد، مسرورش کند و هر گاه به او فرمان دهد، اطاعتش نماید و در غیاب او،
حافظ ناموس و مالش باشد.

۲. سنت پیامبران

در دسته‌ای دیگر از روایات، ازدواج، سنت پیامبران معرفی شده است. بدیهی است کسی که
بخواهد پیرو پیامبران باشد، باید از این سنت نیز پیروی کند و کسی که از آن سرپیچی کند، از
آنان نخواهد بود. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

تزوجوا فإن رسول الله ﷺ قال: من أحب أن يتبع سنتي فإن من سنتي التزويج..
(کلینی، ۱۴۱۰، ۵/۳۲۹؛ حرانی، ۱۴۰۴، ۱۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۳/۲۱۸)
ازدواج کنید؛ زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که دوست دارد از سنت من
پیروی کند، ازدواج نیز از سنت من است.

در روایت دیگری از رسول خدا ﷺ چنین نقل شده است: «النكاح سنتي فمن رغب عن سنتي
فليس مني؛ ازدواج سنت من است. پس هر کس از سنت من روی گرداند از من نیست» (شعیری،
۱۴۰۵، ۲۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۳/۲۲۰). پیامبر در روایت دیگری درباره توانگران مجرد
فرموده است: «من كان مؤسراً لأن ينكح فلم ينكح فليس منّا؛ هر که توان مالی داشته باشد و ازدواج
نکند، از من نیست». (متقی هندی، ۱۴۲۵، ۱۶/۲۸)
جالب اینکه ازدواج، فقط سنت پیامبر اسلام ﷺ نیست، بلکه سنت پیامبران است. آن
حضرت در این باره می فرماید:

من كان على ديني و دين داود و سليمان و إبراهيم فليتزوّج إن وجد إلى النكاح
سبيلاً. (متقی هندی، ۱۴۲۵، ۱۶/۲۸)
کسی که بر دین من و دین داود و دین اسماعیل باشد، اگر می تواند، باید ازدواج کند.

۳. افزایش ارزش عبادت

فرا تر از رهنمودهای پیشین، در روایات دیگری تأکید شده است که ارزش عبادت از دواج کرده‌ها افزایش می‌یابد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

رکعتان یصلیهما متزوج أفضل من رجل یعزب لیله ویصوم نهاره. (ابن بابویه، ۱۳۶۴، ۳/۳۸۵)

دو رکعت نمازی که همسر دار می‌خواند، برتر از مرد مجردی است که شب را به عبادت و روز را به روزه‌داری سپری کند.

در حدیث دیگری از ایشان می‌خوانیم: «المتزوج النائم افضل عند الله من الصائم القائم العزب؛ خواب شخص همسر دار در پیشگاه الهی، از روزه و شب‌زنده‌داری شخص عزب برتر است». (مجلسی، ۱۴۰۳هـ، ۳/۲۲۱)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «رکعتان یصلیهما المتزوج أفضل من سبعین رکعة یصلیهما غیر متزوج؛ دو رکعت نمازی که همسر دار می‌خواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که فرد بی‌همسر بخواند». (حر عاملی، ۱۳۶۷، ۲۱/۲۰)

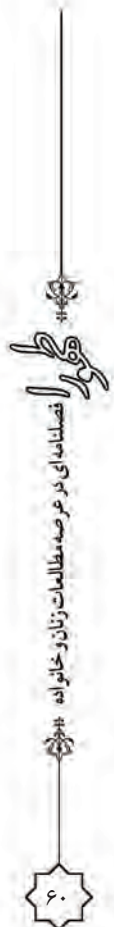
البته باید دقت کرد که منظور روایت، عبادات مستحبی است و شارع مقدس هرگز اجازه نداده که همسر دار تا طلوع آفتاب آسوده بخوابد و هر روز نماز صبحش قضا شود. مجموع گفتارهای پیشوایان دین در این موضوع، نشان از قداست خانواده و اهمیت آن از دیدگاه اسلام دارد. البته پرسش دیگری مطرح است و آن، اینکه راز این اهمیت چیست؟ پاسخ این پرسش با بیان مبنای نظری خانواده در اسلام و کارکردهای آن، روشن می‌شود.

۴. وسعت رزق و روزی در سایه ازدواج

خداوند در سوره نور آیه ۳۲ می‌فرماید:

وأنکحوا الأیامی منکم والصالحین من عبادکم و أمآئکم إن یکونوا فقراء یغْنهم الله من فضله والله واسع علیم.

مردان و زنان عزب خود را همسر دهید. همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد. خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است.



برخی، از ترس فقر و تنگدستی، تن به ازدواج نمی دهند، ولی باید توجه داشت - چنانکه در آیه به تصریح گذشت- خداوند سبحان وعده داده در مال کسانی که قصد ازدواج دارند، گسترش می دهد و آنان را بی نیاز می کند. روایاتی هم از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده که مؤید این نوید است:

«اتَّخَذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ ارْزُقْ لَكُمْ؛ زن بگیرید، که آن، مایه روزی بیشتر برایتان است». (مجلسی،

۵۱۴۰۳، ۱۰۳/۲۱۷)

ثلاث من فعلهنّ ثقة بالله واحتساباً كان حقاً على الله تعالى أن يعينه و أن يبارك له: من سعی في فكاك رقبته ثقة بالله واحتساباً كان حقاً على الله تعالى أن يعينه و أن يبارك له، و من تزوّج ثقة بالله واحتساباً كان حقاً على الله أن يعينه و أن يبارك له، و من أحميا أرضاً مئيتة ثقة بالله واحتساباً كان حقاً على الله أن يعينه و أن يبارك لهم. (پاینده، ۵۱۳۸۲، ۴۱۸)

سه کار است که هر کس به اعتماد خدا و به انتظار ثواب انجام دهد، بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد؛

هر کس در آزاد ساختن خود به اعتماد خدا و به امید ثواب بکوشد، بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد و هر که به اعتماد خدا و به امید ثواب ازدواج کند، بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد و هر که به اعتماد خدا و به امید ثواب، زمین بایری را آباد کند، بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

من ترك التزويج مخافة الفقر فقد اساء الظن بالله عزوجل ان الله يقول: «ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله». (ابن باویه، ۵۱۳۶۴، ۳/۲۵۱)

هر کس از ترس فقر، ازدواج نکند، نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است؛ چرا که خداوند می فرماید: «گر آنان فقیر باشند، خداوند از فضل و کرم خود، بی نیازشان می کند.

از سوی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گونه دیگری از ازدواج را نکوهش می کند:

من تزوج امرأة لملها و كله الله اليه، و من تزوجها لجمالها رای فيها ما يكره، و من تزوجها لدينها جمع الله له ذلك. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ۱۴/۳۱)

هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می‌کند و هر که با او به خاطر جمال و زیبایی‌اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می‌کند.

اهداف ازدواج و تشکیل خانواده

چرا باید ازدواج کرد و تشکیل خانواده داد؟ این پرسش، بیانگر چارچوب نظری ازدواج و تشکیل خانواده است. مهم‌ترین و مقدم‌ترین مسئله در هر موضوعی، روشن ساختن نظریه است. نظریه، مبنا و ریشه موضوع است که مسایل بعدی بر پایه آن استوار می‌گردد. در مقام فهم نیز بدون آگاهی از آن، فهم دیگر مسایل و جزئیات، دشوار و گاه ناممکن خواهد بود. بسیاری از ناهنجاری‌ها که هم‌اکنون بشر در خانواده با آن روبه‌رو است، حاصل اشتباه در تعیین و تعریف فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده است. برای فهمیدن فلسفه ازدواج، ابتدا دیدگاه‌های گوناگون درباره ازدواج و تشکیل خانواده بررسی می‌شود.

۱. دیدگاه‌های غیر دینی

در نگاه غیر دینی به ازدواج، دو دیدگاه وجود دارد؛ یکی دیدگاه اشتراک زندگی و دیگری دیدگاه اتحاد جنسی.

الف. دیدگاه اشتراک زندگی

برخی با بهره‌گیری از تعریف پرتالیس، حقوقدان مشهور فرانسوی، هدف اساسی ازدواج را همکاری و مشارکت زن و شوهر دانسته‌اند. بر این اساس، منظور از ازدواج، عقدی است که مرد و زن به صورت قانونی و با هدف شرکت در زندگانی و کمک به یکدیگر می‌بندند. این دیدگاه توجیه‌کننده تشکیل خانواده با مشخصات پیش‌گفته نیست؛ زیرا اگر هدف اساسی، مشارکت در زندگی باشد، نیازی به تخالف جنسی نیست و دو هم‌جنس نیز می‌توانند برای همکاری و همیاری یکدیگر با هم متحد شوند. همچنین لازم نیست این پیمان میان دو نفر باشد، چند نفر نیز می‌توانند با هم پیمان مشارکت ببندند. افزون بر این، به چه دلیل مشارکت در زندگی نیاز به پیمان دارد؟ بدون پیمان نیز می‌توان به این هدف دست یافت.

همچنین چه دلیلی برای تعهد و وفاداری دو طرف نسبت به یکدیگر و اختصاصی بودن آنان برای یکدیگر وجود دارد؟ این موارد نشان می‌دهد که هر چند پدیده مشارکت، در زندگی خانوادگی وجود دارد، دلیل اصلی تشکیل خانواده نیست.

ب. دیدگاه اتحاد جنسی

دیدگاهی که فراگیرترین دیدگاه در عصر حاضر است، هدف اصلی ازدواج را اتحاد جنسی دانسته است و در تعریف آن گفته: ازدواج عبارت از رابطه‌ای حقوقی است که با عقد بین مرد و زن حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند. دیگری در تعریف خانواده می‌نویسد: «ازدواج می‌تواند به عنوان پیوند جنسی از نظر اجتماعی، پسندیده و به رسمیت شناخته‌شده، بین دو نفر بزرگسال تعریف شود».

این دیدگاه نیز نمی‌تواند توجیه‌کننده تشکیل خانواده با مشخصات پیش گفته باشد؛ اگر ملاک، ارضای جنسی است، چه نیازی به تخالف جنسی است؟ هم‌جنسان نیز می‌توانند این نیاز را برآورده سازند. همچنین نیازی به پیمان نیست.

۲. دیدگاه دینی

پیش از تبیین دیدگاه اسلام در فلسفه ازدواج، به بررسی نظریه‌های غیر دینی از دیدگاه اسلام می‌پردازیم.

اسلام و دیدگاه اشتراک زندگی

در برخی روایات، از همسر با تعبیرهایی یاد شده است که بیانگر موضوع اشتراک در زندگی است. رسول خدا، حضرت محمد ﷺ فرمود:

من أعطی له خمساً لم یکن له عذر فی ترک الآخرة: زوجة صالحة تعینه: علی امر دنیاہ و آخرتہ، و بنون أبرار، و معیشة فی بلده، و حسن خلق یداری به الناس، و حب أهل

بیتی. (سید ابن طاووس، ۱۴۱۱، ۴۰)

هر که به او پنج چیز داده شده باشد، برای او عذری در ترک آخرت نیست؛ زن صالحی که او را در امر دنیا و آخرتش یاری دهد، فرزندان شایسته، زندگی در شهرش، اخلاق نیکویی که به وسیله آن با مردم مدارا کند و دوستی اهل بیت من.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

ثلاثة لا يجاسب عليهن المؤمن: طعام يأكله وثوب يبسه، وزوجة سالحة تعاونه
و یحصن بها فرجه. (کلینی، ۵۱۴۰۱، ۶/۲۸۰)

سه چیز است که مؤمن درباره آنها بازخواست نمی شود؛ غذایی که آن را می خورد و لباسی که آن را می پوشد و زن صالحی که او را کمک می کند و دامن خود را به وسیله او از گناه دور نگه می دارد...

در روایت دیگری از رسول خدا نقل شده که فرمود:

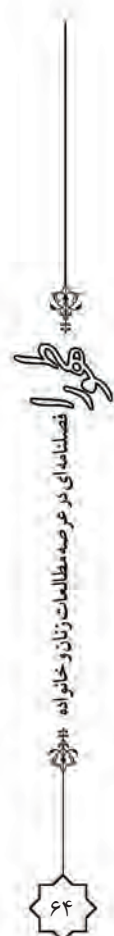
من زوّج أخواه المؤمن امرأة یأنس بها و تشد عضده و یستریح إليها زوجه الله من الحور العین و آنسه بمن أحبّه من الصّدیقین من أهل بیته و إخوانه و آنسهم به.
(مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴/۱۹۴)

هر که برادر مؤمن خود را زن دهد تا آن زن، همدم و مایه پشت گرمی و آسایش او باشد، خداوند او را از حورالعین بهشت زن دهد و با هر یک از صدیقان خانواده و برادرانش که دوست داشته باشد، همدمش کند و آنان را با وی انس و الفت دهد.

در برخی دیگر از روایات، به مشارکت و همکاری همسران در زندگی اشاره شده است. این روایت نمونه‌ای از همیاری رسول خدا صلی الله علیه و آله با خانواده‌اش را به تصویر می کشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در کارهای خانه به خانواده کمک می کرد، گوشت می پزید و متواضعانه کنار سفره غذا می نشست. خود از گوسفندانش شیر می دوشید. لباس و کنفش خود را وصله می زد و کارهای شخصی خود را انجام می داد. خانه را جارو می زد. شتر را می بست و علف می داد. موقع آرد کردن و خمیر گرفتن، به خادم کمک می کرد. خودش وسایل مورد نیاز را از بازار می خرید و تا منزل حمل می کرد. وسیله طهارت و وضویش را شبانه با دست خود آماده می کرد. با فقرا و نیازمندان می نشست و با بیچارگان هم غذا می شد و با دست خود به آنها غذا می خوراند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۲۲۶).

از امام حسین علیه السلام نیز نقل شده که فرمود:



از پدرم در مورد برنامه زندگی رسول خدا ﷺ سؤال کردم. فرمود:
 كان دخوله لنفسه مأذونا له في ذلك فاذا آوى إلى منزله جزأ دخوله ثلاثة أجزاء:
 جزء لله، وجزء لأهله وجزء لنفسه... (ابن بابويه، ۵۱۴۰۳، ۱/ ۸۱؛ مجلسی،
 ۵۱۴۰۳، ۱۶/ ۱۴۸)

به منزل رفتنش در اختیار خودش بود. اوقاتش را در منزل به سه قسمت تقسیم
 می کرد؛ قسمتی را برای عبادت خدا، قسمتی دیگر را برای اهل بیت و افراد منزل
 و بخش سوم را به خود اختصاص می داد....

باز پرسش این است که آیا این، کارکرد ازدواج است یا فلسفه ازدواج؟ هرچند مشارکت و
 همکاری یکی از عناصر خانواده به شمار می رود، دیگر متون نشان می دهد که نمی توان آن
 را مبنای ازدواج دانست. مشارکت، نیازی به پیمان و تخالف جنسی و رابطه جنسی ندارد و
 بدون ازدواج نیز می توان آن را به دست آورد. این در حالی است که اگر مشارکت در خارج
 خانواده تأمین شود، از تأکید دین بر ازدواج کاسته نمی شود. پس این دلیل نیز علت اصلی
 ازدواج از نظر دین باشد.

اسلام و دیدگاه اتحاد جنسی

در برخی گزاره‌های دینی در موضوع ازدواج، به مسئله ارضای جنسی توجه شده است. باید
 بررسی کرد که آیا مراد این گزاره‌ها، همان نظریه اتحاد جنسی است؟
 روایاتی از پیامبر ﷺ و امامان معصومین نقل شده که به تأثیر ازدواج بر عفاف اشاره کرده و
 یا از تبطل و تجرد نهی کرده‌اند و آن را زمینه‌ساز وسوسه‌های شیطانی دانسته‌اند و یا بر وجود
 روابط جنسی پس از ازدواج تأکید کرده و از رهبانیت بر حذر داشته‌اند.

الف. نهی از تبطل

بخشی از روایات گویای برخورد معصومان علیهم‌السلام با پدیده تبطل است. ابن حنبل در کتاب
 مسند خود از انس چنین نقل می کند:

كان رسول الله ﷺ يأمر بالباءة وينهى عن التبطل نهياً شديداً، ويقول: تزوجوا
 الودود الولود، إني مكاثر الأنبياء يوم القيامة. (متقی هندی، ۱۴۲۵، ۷/ ۱۲۸)
 رسول خدا ﷺ به ازدواج، امر و از ترک ازدواج، به شدت نهی می کردند. آن

حضرت می فرمودند: با زن مهربان زایا ازدواج کنید؛ زیرا من در قیامت بر دیگر انبیا از جهت فراوانی پیروانم برتری می یابم.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که فرمود: «نهی رسول الله صلی الله علیه و آله النساء أن یتبتلن و یعطنن أنفسهن من الأزواج؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان را از اینکه از ازدواج خوداری کنند و وجود خود را بیهوده گذارند و ازدواج را ترک کنند، نهی فرمود». (کلینی، ۵۱۴۰۱، ۵/۵۰۹)

چنین روایاتی از امام صادق علیه السلام نیز گزارش شده است. عبدالصمد بن بشیر می گوید:

دخلت امرأة علی ابي عبد الله علیه السلام فقالت: أصلحك الله إني امرأة متبتلة، فقال: وما التبتل عندك؟ قالت: لا أتزوج، قال: ولم؟ قالت: ألتمس بذلك الفضل، فقال: انصرفي، فلو كان ذلك فضلاً لكانت فاطمة علیها السلام أحقّ به منك إنه ليس أحد يسبقها إلى الفضل. (کلینی، ۵۱۴۰۱، ۵/۵۰۹)

زنی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: خداوند به شما خیر دهد، من زنی اهل تبتل هستم. حضرت فرمود: تبتل را چگونه معنا می کنی؟ گفت: ازدواج نمی کنم. فرمود: دور شو! اگر این کار فضل بود، فاطمه علیها السلام از تو بدان سزاوارتر بود؛ زیرا کسی به اندازه او به دنبال کسب فضل نبود.

ب. نهی از رهبانیت جنسی

موضوع قداست خانواده تا آنجا اهمیت دارد که هیچ کس حق ندارد با دست کشیدن از لذت های مشروع زناشویی و در پیش گرفتن رهبانیت جنسی، این کانون گرم اجتماعی را متزلزل سازد. افزون بر گروهی که با کناره گیری از ازدواج، نسبت به تشکیل کانون مقدس خانواده بی رغبت اند، گروهی نیز پس از ازدواج می کوشند با رهبانیت جنسی، به خودسازی و تحکیم فضایل اخلاقی در خود بپردازند. اینان با کناره گیری از همسرانشان، هر لذتی، از جمله لذت جنسی حلال را بر خود ممنوع می کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با این اندیشه برخورد می کرد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

جاءت امرأة عثمان بن مظعون إلى النبي صلی الله علیه و آله فقالت يا رسول الله إن عثمان يصوم النهار و يقوم الليل فخرج رسول الله صلی الله علیه و آله مغضباً يحمل نعليه حتى جاء إلى عثمان فوجده يصلّي فانصرف عثمان حين رأى رسول الله فقال له يا عثمان لم يرسلني الله

بالرهبانية ولكن بعثني بالحنيفية السمحة أصوم وأصلي وأمس أهلي فمن أحب فطرتي فليستن بسنتي ومن سنتي النكاح. (حرعاملی، ۱۳۶۷، ۲۰/۱۰۷)

زن عثمان بن مظعون نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا، عثمان روزها را روزه می‌گیرد و شب را به شب‌زنده‌داری می‌گذراند. پیامبر، با عصبانیت و در حالی که کفش‌هایش را به دست گرفته بود، بیرون آمد و پیش عثمان رفت و او را در حال نماز یافت. عثمان هنگامی که پیامبر را دید، نماز را ترک کرد. پیامبر به او فرمود: خداوند، من را به رهبانیت نفرستاده است، بلکه مرا به دین حنیف و با بخشش مبعوث کرده است. من روزه می‌گیرم، نماز می‌خوانم، با همسرم نیز هم‌بستر می‌شوم. هر کس فطرت مرا دوست دارد، به سنتم عمل کند و ازدواج از سنت من است.

در نقل دیگری از آن حضرت چنین آمده است:

إِنَّ ثَلَاثَ نَسْوَةٍ أَتَيْنَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ إِنَّ زَوْجِي لَا يَأْكُلُ اللَّحْمَ وَ قَالَتِ الْأُخْرَى إِنَّ زَوْجِي لَا يَشُمُّ الطَّيِّبَ وَ قَالَتِ الْأُخْرَى إِنَّ زَوْجِي لَا يَقْرُبُ النِّسَاءَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِحِجْرٍ رَدَاءَ حَتَّى صَعِدَ الْمَنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ مَا بَالُ أَقْوَامٍ مِنْ أَصْحَابِي لَا يَأْكُلُونَ اللَّحْمَ وَلَا يَشْمُونَ الطَّيِّبَ وَلَا يَأْتُونَ النِّسَاءَ أَمَا إِنِّي أَكَلْتُ اللَّحْمَ وَأَشَمُّ الطَّيِّبَ وَآتَى النِّسَاءَ فَمِنْ رَغْبٍ عَنِ سُنَّتِي فَيْلِسَ مِنِّي. (حججاری، ۱۸۶، ۵۱۴۱۹)

سه زن نزد پیامبر آمدند؛ یکی از آنها گفت: همسرم گوشت نمی‌خورد. دیگری گفت: شوهرم بوی خوش استشمام نمی‌کند. سومی گفت: همسرم با من هم‌بستر نمی‌شود. پیامبر در حالی که ردایش به زمین کشیده می‌شد (با عصبانیت) خارج شد و بالای منبر رفت. پس از حمد و ثنای خداوند، فرمود: گروهی از اصحابم را چه شده است که گوشت نمی‌خورند، بوی خوش استشمام نمی‌کنند و با زنان هم‌بستر نمی‌شوند. من گوشت می‌خورم و بوی خوش استشمام می‌کنم و با همسرم هم‌بستر می‌شوم. پس، هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست.

هر چند ارضای جنسی، از عناصر مهم خانواده به شمار می‌رود، پرسش این است که آیا کارکرد ازدواج است یا هدف اصلی آن؟ بررسی دیگر متون نشان می‌دهد که نمی‌توان این عنصر را مبنایی‌ترین هدف ازدواج به شمار آورد؛ زیرا اگر ملاک، ارضای غریزه جنسی باشد،

می‌توان آن را در غیر ازدواج (چه با تخالف جنسی و چه بدون آن) برآورد. در حالی که اینگونه ارضاها از نظر دین، ممنوع است و اگر ارضایی در خارج از چارچوب ازدواج تحقق یابد، باز تأکید دین بر ازدواج کم نمی‌شود.

ج. ازدواج؛ مایه سکونت و آرامش

برخی، دلیل تشکیل خانواده را تسکین و آرامش می‌دانند و معتقدند که فلسفه ازدواج، رسیدن به آرامش روانی است. دلیل آنان نیز این آیه شریفه است که خداوند متعال می‌فرماید
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً
وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (روم: ۲۱)

و از نشانه‌های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میاتنان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت، برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است.

در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده که می‌فرماید:

من سنّته (رسول الله) التزويج بالليل، لان الله تعالى جعل الليل سكنا و النساء
انها هن سكن. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ۲۰/۹۱)

مراسم عروسی در شب، سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ چراکه خداوند شب را مایه آرامش قرار داده و زن هم مایه آرامش خاطر است.

روایتی نیز از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود:

و أما حق الزوجة فإن تعلم أن الله عز وجل جعلها لك سكنا و أنسا فتعلم أن
ذلك نعمة من الله عليك فتكرمها و ترفق بها و إن كان حقاك عليها أو جب. (ابن بابویه، ۱۳۶۴، ۲/۶۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۱/۴)

حق زن آن است که بدانی خداوند، همسر را مایه آرامش و انس قرار داده و نیز بدانی که همسر، نعمت الهی بر تو است. پس او را گرامی بدار و با او مهربانی کن؛ اگرچه حق تو نیز بر او لازم است.

تردیدی نیست که ازدواج و تشکیل خانواده، موجب سکون و آرامش می‌شود، ولی برای یافتن دیدگاه، باید ریشه‌ای‌ترین عامل را به دست آورد. باید پرسید که چرا تشکیل خانواده

موجب آرامش می‌شود؟ شاید یکی از دلایل آن، ارضای غریزه جنسی باشد. هنگامی که غریزه جنسی انسان ارضا و از هیجان آن کاسته شود، انسان به آرامش دست می‌یابد. دلیل دیگر ممکن است تفاوت سرشت زن و مرد باشد که بر اساس آن، هر یک به دیگری نیاز دارد که همان نیاز به انیس و همدم از جنس مخالف است و در وجود انسان قرار دارد و با تأمین آن، به آرامش می‌رسد. پرسش این است که چرا غریزه جنسی در وجود انسان قرار داده شده و چرا انسان در دو جنس مختلف آفریده شده است که با یکدیگر به آرامش برسند؟ این پرسش‌ها نشان می‌دهند، هنوز لایه‌های عمیق‌تری وجود دارند که فلسفه ازدواج را باید در آنها یافت.

د. ازدواج و تداوم نسل

علت دو جنس بودن انسان، وجود غریزه جنسی و ترکیب بدنی متفاوت مرد و زن را باید در تداوم نسل یافت. (مجلسی، ۱۳۷۹، ۶۸) علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۱ سوره نساء می‌نویسد:

هریک از زن و مرد، به دستگاه خاصی مجهز شده است؛ به گونه‌ای که در عمل، هر یک کار دیگری را تکمیل می‌کند و تولید نسل، برآیندی از مجموع آن دو است. پس هر یک از زن و مرد، فی نفسه ناقص و نیازمند دیگری است و از مجموع آن دو، یک واحد تام به وجود می‌آید که می‌تواند تولید نسل را موجب شود. به دلیل همین نقص و نیازمندی است که هر یک از آن دو، به سوی دیگری کشیده می‌شود تا با پیوند با او، آرامش یابد؛ زیرا هر ناقصی مشتاق کمال خویش است و هر نیازمندی به کسی یا چیزی مایل است که نیاز او را برطرف سازد. خانواده، یکی از بارزترین جلوه‌گاه‌های مودت و رحمت است که از یک طرف، دو زوج را به یکدیگر پیوند می‌دهد و از طرف دیگر، باعث می‌شود که هر دو، به ویژه زن، بر فرزندان خردسال خود که از تأمین نیازهای حیاتی خویش، عاجز و ضعیف‌اند، مهر ورزیده و به پناه دادن، نگهداری، پوشش، تغذیه و تربیت اقدام کنند و اگر این مهرورزی نبود، نسل بشر منقرض می‌شد و نوع انسان، هیچ‌گاه امکان حیات نمی‌یافت. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶/۱۶)

از شماری آیات قرآن استفاده می‌شود که قانون زوجیت، نه فقط بر انسان، که بر تمامی

موجودات، سایه گسترده (ذاریات: ۴۹) و از این راه، تداوم زندگی موجودات و از جمله انسان، تضمین شده است. بنابراین، تداوم نسل، ریشه‌ای تر از سکون و آرامش است. گذشته از متون یادشده، می‌توان روایات تشویق به ازدواج برای تکثیر امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز با این موضوع در پیوند دانست. با این حال، پرسش این است که آیا فقط تداوم نسل هدف اساسی ازدواج است؟ آیا تولد فرزندان و افزایش شمار انسان‌ها و تداوم نسل بشر، توجیه‌گر تشکیل خانواده است؟ آیا تداوم نسل، فقط بر تشکیل خانواده استوار است؟ اگر تداوم نسل در اشکال دیگری تحقق یابد، می‌توان آنها را تأیید کرد؟ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست، نشان می‌دهد که هر چند فلسفه قانون زوجیت و غریزه جنسی، تداوم نسل است، اما نمی‌تواند تبیین‌کننده دیدگاه دین در مورد تشکیل خانواده باشد.

بررسی متون دینی نشان می‌دهد، فلسفه تشکیل خانواده چیزی فراتر از تداوم نسل است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

هـ- تربیت نسل توحیدی، فلسفه ازدواج

از بررسی متون دینی برمی‌آید که هدف اصلی، «تربیت نسل توحیدی» است. هدف دین از ازدواج، تربیت انسان‌های یکتاپرست است. در این دیدگاه، هم تداوم نسل وجود دارد و هم تربیت نسل. تداوم نسل، بخشی از این دیدگاه است، ولی محور و اساس آن نیست. هدف، تربیت و پرورش افرادی است که راه تکامل و یکتاپرستی را در پیش گیرند. اکنون با این دیدگاه، روایات بررسی می‌شود.

اول. بخشی از متون به مسئله افزایش امت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده‌اند. در این دسته روایات، از مردم خواسته شده که ازدواج کنند و زنان زایای نازیبا را بر زنان زیبای نازا ترجیح دهند تا امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افزایش یابد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده:

إذا دخلت عليك اهلك فخذ بناصيتها واستقبل بها القبلة و قل: اللهم... فان

قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا سویا. (ابن بابویه، ۱۳۶۴، ۳/۲۶۳)

چون همسرت به خانه تو آمد، دست بر پیشانیش بگذار و رو به قبله‌اش برگردان و (دعا کن و) بگو: خداوندان!... اگر از این همسرم، فرزندی برای من تقدیر نمایی،

فرزند مبارک و سالم عنایت فرمای!



در روایت دیگری عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: يا نبي الله إن لي ابنة عمّ قد رضيت جمالها وحسنها ودينها ولكنها عاقر، فقال: لا تزوجها... فجاء رجل من الغد إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال له مثل ذلك فقال له: تزوج سوءاء ولو دا فإنّي مكاتر بكم الامم يوم القيامة. قال: فقلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما سوءاء قال: القبيحة. (كليني، ١٤٠١هـ، ٣٣٣/٥)

مردی نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا، دخترعمویی دارم که جمال و ظاهرش و دینش رضایت بخش است، اما نازا است. پیامبر گفت: با او ازدواج نکن.... فردا هم مردی نزد پیامبر آمد و همان سخن را گفت. پیامبر گفتند: (اگر ناچار شدی) با زنی که زایا باشد، ازدواج کن، حتی اگر زیبا نباشد؛ زیرا من فردای قیامت به فراوانی شما امتم در برابر امت های دیگر می بالم.

رسول خدا صلى الله عليه وسلم در حدیثی دیگر می فرماید:

تزوجوا بکرا ولودا، ولا تزوجوا حسناء جمیلة عاقرا! فإنّی أباهی بکم الأمم يوم القيامة.

با دختران بکر که استعداد زاییدن در آنها هست، ازدواج کنید و با زن خوش رو و زیبایی که نازا و عقیم باشد، ازدواج نکنید؛ زیرا من به شما افراد امت در روز قیامت بر دیگر امت ها مباحات می کنم.

همچنین حضرت به شخصی فرمود:

تزوجوا سوءاء ولو دا! ولا تزوجوا جمیلة حسناء عاقرا! فإنّی مباه بکم الأمم يوم القيامة! فی جبل من مسک و عنبر و زعفران. (کلینی، ١٤٠١هـ، ٣٣٣/٥)

با زن زشت صورت در صورتی که بچه زایا باشد، ازدواج کن و با زن زیبا و خوش رو در صورتی که نازا باشد، ازدواج مکن؛ زیرا که من در روز قیامت به شما امت بر دیگر امت ها افتخار می کنم. مگر نمی دانی که فرزندان در زیر عرش خداوند، برای پدرانشان از خداوند طلب غفران می نمایند. ابراهیم خلیل آنها را در دامان خود می پرورد و ساره، زوجه او، آنها را تربیت می کند، در کوهی که همه اش از مُشک و عنبر و زعفران است.

آن حضرت در حدیثی به مسئله فرزندخواهی اشاره می کند و می فرماید: «واطلبوا ولدا!

فائى مكاتر بكم الأمم غدا؛ و دنبال بچه دار شدن باشید؛ زیرا من می خواهم تعداد امتم را از دیگر امت ها در فردای قیامت بیشتر یابم» (ابن بابویه، ۱۳۶۴، ۳/۳۸۳). پیامبر در این روایت، با اشاره به مسئله فرزندخواهی، از مردم خواسته است که فرزنددار شوند. این روایت به ازدواج نکرده ها اختصاص ندارد و شامل همه می شود. نکته قابل توجه اینکه حضرت، به فرزنددار شدن مردم و افزایش تعداد امت تشویق می کند.

دوم. بخشی دیگر از متون به صورت مشخص، تربیت نسل توحیدی را بیان کرده اند. بدیهی است که فقط تداوم نسل نمی تواند هدف اصلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد. اگر امت اسلام افزایش عددی یابد، ولی از تربیت دینی بی بهره باشد، چگونه می توان به آن مباهات کرد؟ بر همین اساس ملاک اصلی، تربیت نسل توحیدی است و روایات پیشین نیز بر همین اصل حمل می شوند. روایتی از پیامبر در این باره وارد شده که فرمود: «أنظر فی ای نصاب تضع ولدك فإن العرق دساس؛ بنگر فرزند خود را در کجا قرار می دهی؛ زیرا رگ (زن)، تأثیر خود را باقی می گذارد». (پاینده، ۱۳۸۲، ۱۲) در این حدیث به موضوع وراثت و علم ژنتیک، به صراحت اشاره شده است.

در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره تربیت نسل توحیدی می فرماید:

ما يمنع المؤمن أن يتخذ أهلاً لعل الله يرزقه نسمة تثقل الارض بلا إله إلا الله.
(ابن بابویه، ۱۳۶۴، ۳/۳۸۲)

چه چیزی از مؤمن جلوگیری می کند که برای خود زوجه ای بگیرد، به امید آنکه خداوند فرزندی را نصیب او کند تا زمین را به «لا إله إلا الله» سنگین نماید.

در این حدیث، تصریح شده است که اهل ایمان، برای دستیابی به نسل توحیدی تشکیل خانواده دهند. باز پیامبر اسلام درباره داستان حضرت یوسف و برادرشان می فرماید:

یوسف، پسر یعقوب، برادرش را ملاقات کرد و گفت: ای برادر، چگونه توانستی (با وجود غم فراق) پس از من ازدواج کنی؟ گفت: پدرم مرا امر کرد و فرمود: اگر می توانی که برای تو ذریه ای باشد که زمین را به تسبیح سنگین نمایند، انجام ده.
(کلینی، ۵۱۴۰۱، ۵/۳۳۳)

آنچه حضرت یعقوب بر آن تکیه می کند، مسئله تربیت توحیدی است نه چیز دیگر. در تفسیر عیاشی به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

پیش از اینکه حضرت یوسف، خود را به بنیامین معرفی کند، گفتگویی میانشان صورت گرفته که در بخشی از آن آمده است: حضرت یوسف علیه السلام به برادرش فرمود: «تا چه اندازه در فراق برادرت اندوهگین بودی؟» گفت: «آن قدر که یازده پسر برایم به دنیا آمد و بر هر یک نامی را که از نام او اشتقاق می‌یافت، نهادم». پس یوسف به او گفت: «چنان می‌نماید که به همسرگزینی و فرزندخواهی تمایل داری؟» بنیامین به او گفت: «پدری نیکوکار دارم و او گفت ازدواج کن! شاید خداوند از تو ذریه‌ای بیرون آورد که زمین را به تسیح سنگین کنند».

(عیاشی، ۱۳۸۰، ۱۸۴/۲)

همچنین در توصیف بانوی اسلام، حضرت فاطمه علیها السلام آمده که ایشان در عین اینکه شریک زندگی شوهر بود، برای فرزندان نیز نقش مادری مهربان و باعاطفه را دارد. (قائمی، ۱۳۷۰، ۱۱) آن حضرت با رعایت اصول همسرمداری، باعث ماندگاری و تداوم زندگی خانواده‌ای شد که ثمره‌اش فرزندان سالم و معتدل است؛ فرزندان که ضامن بقای جامعه گشتند. این روایات نشان می‌دهد که اساس ازدواج و تشکیل خانواده، تربیت نسل توحیدی است. بر این پایه، مفهوم خانواده و تعریف آن از نظر اسلام با دیگر دیدگاه‌ها تفاوت دارد. همچنین فلسفه بسیاری از ممنوعیت‌ها در مورد امور جنسی نیز تربیت چنین نسلی است.

مطالعه برخی از روایات، علت تحریم پاره‌ای از روابط جنسی نامشروع را بیان می‌کند. این روایات نشان می‌دهد که علت تحریم روابط نامشروع جنسی نیز به دیدگاه دین در مورد ازدواج برمی‌گردد؛ زیرا هدف اساسی، تربیت نسل است. بنابراین، روابط بدون پیمان شرعی و نیز هم‌جنس‌خواهی ممنوع شده است.

امام علی علیه السلام درباره علت تحریم هم‌جنس‌خواهی می‌فرماید: «فَرَضَ اللهُ تَرْكَ اللِّوَاظِ تَكْثِيرًا لِلنَّسْلِ؛ خداوند ترک لواط را برای زیادی نسل واجب کرد». (نهج البلاغه، ۱۳۸۷)

امام رضا علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

علت تحریم ازدواج مرد با مرد و زن با زن، یکی ویژگی‌هایی است که طبیعت زنان و مردان دارند و دیگر اینکه این کار، منقطع شدن نسل و بداندیشی و نابودی و خرابی دنیا را در پی دارد. (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ۵۴۷/۱)

امام علی علیه السلام در حدیث دیگری درباره علت تحریم زنا می‌فرماید: «فَرَضَ اللهُ تَرْكَ الزَّانَا

تحصینا للنسب؛ خداوند ترک زنا را برای حفظ اصل و نسب واجب کرد.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷). اگر ملاک اصلی ازدواج، اتحاد جنسی یا تداوم نسل باشد، نباید این شکل از روابط جنسی نیز تحریم می‌شد؛ زیرا در این نوع رابطه، هم ارضای جنسی صورت می‌گیرد و هم نسل بشر تداوم می‌یابد. در فرمایشی از امام رضا علیه السلام تضاد نامشخص بودن نسب‌ها با دیدگاه دین در زنا روشن‌تر بیان شده است:

زنا به علت مفاسدی که دربردارد، مانند قتل نفس، از بین رفتن و مخدوش شدن اصل و نسب، ترک تربیت کودکان، تباه شدن موضوع ارث و میراث و امثال این مفاسد، حرام شده است. (این بابویه، ۱۳۶۴، ۳/۵۶۵)

در این حدیث، دو دلیل مهم بیان شده است؛ یکی از بین رفتن نسب‌ها و دیگری ترک تربیت اطفال.

پیش از تبیین کارکرد ازدواج باید به این نکته توجه داشت که میان «اهداف ازدواج» و «کارکرد ازدواج» تفاوت وجود دارد. هدف، عاملی است که جوان را به ازدواج تحریک می‌کند و کارکرد، مجموعه فوایدی است که بر ازدواج مترتب می‌شود. برخی از پرسش‌هایی که در مورد چرایی ازدواج مطرح می‌شود، به امور میانی مربوط است که کارکرد ازدواج نامیده می‌شود. برای نمونه، آرامش یکی از کارکردهای ازدواج است، ولی نمی‌توان آن را دلیل اساسی آفرینش انسان در دو جنس مخالف، با ویژگی‌های مختلف و با کشش جنسی به یکدیگر دانست. بلکه انسان بر اساس دلیلی در دو جنس آفریده می‌شود و ویژگی‌های متفاوتی پیدا می‌کند و فقط با ازدواج و انس با جنس مخالف آرام می‌شود.

کارکردهای ازدواج

پس از بررسی اهداف ازدواج، کارکردهای خانواده از دیدگاه اسلام بررسی می‌شود.

۱. تنظیم رفتار جنسی

بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بر تنظیم رفتار جنسی که یکی از کارکردهای اساسی خانواده است، تأکید کرده‌اند. در بسیاری از جوامع امروزی به ویژه در جوامع غربی، با وجود تحولات بنیادینی که در دهه‌های اخیر در زمینه آزادی روابط جنسی رخ داده است،

خانواده همچنان کارکرد تنظیم رفتار جنسی صحیح را بر عهده دارد، اگرچه نقش انحصاری خود را در تأمین نیازهای جنسی از دست داده است. (ابن بابویه، ۱۳۶۴، ۶۸) این نقش اساسی خانواده در متون دینی و سخنان پیشوایان دینی نیز به روشنی بیان شده است. برای نمونه به بیان روایاتی از اهل بیت می‌پردازیم. روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت می‌فرماید: «یا معشر السَّبَاب من استطاع منکم الباه فلیتزوج فإنه أعض للبصر وأحصن للفرج؛ ای گروه جوانان، هر که از شما می‌تواند، ازدواج کند؛ زیرا پوششی است برای چشم و دامن و شما را از گناه، بهتر دور می‌کند». (متقی هندی، ۱۴۲۵، ۲۷۲/۱)

آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید:

ما من شاب تزوج فی حدائته سنّه إلا عَج شیطانهُ: یا ویله، عصم منّی ثلثی دینه فلیتق الله العبد فی الثلث الآخر. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۳/۲۲۱)

هیچ جوانی نیست که در دوره جوانی خود ازدواج کند، مگر آنکه شیطان فریاد برآورد که: «ای وای بر او! دو سوم دینش را از (گزند) من حفظ کرد». بنابراین، بنده باید برای حفظ یک سوم دیگر، تقوای خدا را در پیش گیرد.

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: «چرا اهل ایمان بیش از دیگران به ازدواج کردن اهمیت می‌دهند؟» حضرت در پاسخ فرمود:

لأنّه یحفظ فرجه عن فروج لا تحلّ له لکیلا تمیل به شهوته هکذا وهکذا، فإذا ظفر بالحلال اکتفی به واستغنی عن غیره. (حرعاملی، ۱۳۶۷، ۱۴/۱۷۹)

زیرا بدین وسیله دامنش را از ناپاکی‌ها و گرویدن به حرام حفظ می‌کند و شهوت و هواهای نفسانیش او را به این طرف و آن طرف نمی‌کشاند و آن هنگام که به حلال دست یابد، از غیر آن (حرام) بی‌نیاز می‌شود.

در روایت دیگری آمده:

ثلاثة حقّ علی الله تعالی عونهم: المجاهد فی سبیل الله، والمکاتب الذی یرید الأداء، والناکح الذی یرید العفاف. (حرعاملی، ۱۴، ۱۳۶۷/۲۴۷)

سه نفرند که یاری آنها بر خدا (تفضلاً) لازم است؛ آنکه در راه خدا جهاد کند و بنده‌ای که برای آزادی خود قرارداد بسته و می‌خواهد قیمت آن را بپردازد و کسی که به منظور عفت، زن می‌گیرد.

۲. تولید مثل

کارکرد تولید مثل یکی دیگر از کارکردهای زیست‌شناختی خانواده است که همواره بقای جوامع و به بقای نسل بشر را تضمین کرده است. در طول تاریخ، تولید مثل ارتباط تنگاتنگی با ارضای غریزه جنسی داشته و روند ثابتی را طی کرده است، ولی به دلیل تغییرات عمیق ناشی از انقلاب علمی و صنعتی در مغرب زمین و همراه با گسترش دانش و ابزار کنترل بارداری که به تفکیک این دو کارکرد از یکدیگر انجامید، تولید مثل در دو قرن گذشته دچار نوساناتی شد. برای نمونه در انگلستان، ازدواج‌هایی که عقدشان در حدود سال ۱۸۶۰ بسته شده بود، به طور متوسط شش فرزند به بار می‌آورد، در حالی که دو نسل بعدتر، این رقم به دو فرزند کاهش یافت. (بستان (نجفی)، ۱۳۸۷، ۷۰)

۳. مشروعیت

تأمین پدر شرعی برای فرزندان، کارکرد دیگر خانواده زن و شوهری است. اهمیت این کارکرد به دلیل پیامدهای اجتماعی آن است که انتقال منظم ارث و تداوم نظام خویشاوندی، از مهم‌ترین آنها است. به همین دلیل مالینوفسکی، مشروعیت را به جاگرفتن کودک در درون شبکه خویشاوندی ربط داده است. به گفته او، شبکه خویشاوندی حقوق نوزاد را در زمینه مراقبت، ارث و آموزش تعریف می‌کند. مالینوفسکی همچنین اصل مشروعیت را جهانی می‌داند و می‌گوید:

در تمام جوامع انسانی و در تمام موارد، حاملگی مستلزم ازدواج است. در تمام جوامع انسانی، سنت اخلاقی و قانون، گروهی را که از زن و فرزندانش تشکیل شده است، یک واحد اجتماعی کامل نمی‌شناسد. قانون، اخلاق، آداب و رسوم می‌گوید: خانواده‌ای که مرد نداشته باشد، کامل نیست. (بستان (نجفی)، ۱۳۸۷، ۹۵)

دیدگاه اسلام درباره مشروعیت

در متون اسلامی، بر مشروعیت فرزند و پیامدهای آن، مانند پذیرش مسئولیت تربیت فرزند از سوی پدر و مادر، انتقال نظام‌مند میراث و تداوم شبکه‌های خویشاوندی تأکید شده است



و پیشوایان دین رهنمودهای ارزشمندی در این زمینه داشته‌اند. شخصی از امام جعفر صادق علیه السلام پرسید: «چرا خداوند زنا را حرام کرد؟» حضرت در پاسخ فرمود:

لما فيه من الفساد و ذهاب المواريث، و انقطاع الأنساب، لا تعلم المرأة في الزنا من أحبها، ولا المولود يعلم من أبوه، ولا أرحام موصولة، ولا قرابة معروفة.

خداوند زنا را به دلیل فساد و از بین رفتن ارث‌ها و منقطع شدن نسب‌ها حرام کرد. در زنا، نه زن می‌داند از کدام مرد حامله شده است و نه فرزندی که به دنیا می‌آید، می‌داند پدرش کیست. همچنین صله ارحام و خویشاوندی معروف نیز وجود ندارد.

در بعضی روایات نیز ارتکاب قتل نفس و خودداری والدین از تربیت فرزندان، از نتایج منفی مشروع نبودن فرزند شمرده شده است. بدون شک مشروع نبودن فرزند، از عوامل اصلی افزایش سقط جنین در دوران معاصر است و جمع بسیاری از کودکان پرورشگاهی را فرزندان نامشروع تشکیل می‌دهند. (بستان (نجفی)، ۱۳۸۷، ۹۷)

ع. حمایت و مراقبت

برخلاف بسیاری از گونه‌های حیوانی، عجز و ناتوانی نوزاد انسان در محافظت از خود که تا چند سال پس از تولد نیز ادامه دارد، حمایت و مراقبت فیزیکی از کودک را به ضرورت تبدیل می‌کند. افزون بر آن، عجز و ناتوانی انسان در دوران سالخوردگی که بسیاری از افراد در چرخه زندگی با آن روبه‌رو می‌شوند و نیز ناتوانی‌های ناشی از نقص عضو یا بیماری، اهمیت موضوع مراقبت را دو چندان می‌کند. (بستان (نجفی)، ۷۶-۷۵) قرآن مجید از این ضرورت با نام «رحمت» یاد کرده است.

درباره کارکرد حمایتی خانواده، اسلام با مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های وجوبی و استحبایی، زمینه تحقق این کارکرد را فراهم کرده است. در متون اسلامی، والدین و فرزندان، افراد واجب‌النفقة معرفی شده‌اند؛ به این معنی که تأمین هزینه‌های زندگی فرزندان، در صورت نیازمندی بر عهده پدر (یا جد پدری) و با فقدان پدر بر عهده مادر است و نیز تأمین هزینه‌های زندگی پدر و مادر در صورت نیازمندی، بر عهده فرزندان است و اجبار و الزام قانونی نیز در این باره پیش‌بینی شده است. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ۲۳۷/۱۵)

۵. انس و عاطفه

به باور بسیاری از جامعه‌شناسان، برآوردن نیازهای عاطفی، مهم‌ترین کارکردی است که تدوام و استحکام خانواده را در جوامع صنعتی امروز، تضمین می‌کند. ارضای عاطفی در محیط‌های دیگر مانند محیط‌های شغلی یا آموزشی نیز کم‌وبیش یافت می‌شود، ولی رضایت‌بخش‌ترین روابط شخصی افراد در خانواده و با همسران، والدین، فرزندان یا دیگر بستگان شکل می‌گیرد؛ افراد، امنیت جسمی و روحی خود را در خانواده جستجو می‌کنند و خانه را پناهگاهی از کشمکش‌ها و ناهنجاری‌های دنیای بیرون می‌دانند. بسیاری از کسانی که به دلیل نیافتن امنیت و خشنودی لازم، به طلاق روی می‌آورند، بار دیگر برای دستیابی به آن، خانواده جدیدی بنا می‌نهند. (بستان (نجفی)، ۱۳۸۷، ۸۸)

خانواده، گذشته از توجه مستقیم، با ایجاد فضایی همراه با آرامش و امنیت و ارضای نیازهای جنسی و عاطفی همسران، به طور غیرمستقیم آنان را از گرایش به کج‌رویی باز می‌دارد. امیل دورکیم در بررسی پدیده خودکشی در چند کشور اروپایی دریافت که ازدواج، افراد را از خودکشی باز می‌دارد و همچنین افراد دارای فرزند، کمتر از افراد متأهل بی‌فرزند، خود را به قتل می‌رسانند. دورکیم بر پایه دیده‌ها و آمارگیری‌هایش، نظریه همبستگی اجتماعی را مطرح کرد و ضعف پیوندهای اجتماعی اشخاص را عامل خودکشی آنان دانست. روشن است که آرامش روانی حاصل از ازدواج، حس مسئولیت‌پذیری انسان را بارور می‌سازد، در برابر دشواری‌های زندگی به او شکیبایی می‌بخشد و شور و نشاط او را در فعالیت‌هایش افزایش می‌دهد. فرد در ازدواج احساس می‌کند که از نتیجه زندگی، کار و تلاش او، هم خودش و هم عزیزترین کسانی بهره‌مند می‌شوند. این احساس شور و نشاط، در فرد مجرد و یا بدون خانواده شکوفا نمی‌شود و همین عامل از او، فردی بی‌مسئولیت می‌سازد که در برابر مشکلات به آسانی تسلیم می‌شود. چنین شخصی به دلیل نداشتن پناهگاه مطمئن عاطفی و روانی، اگر برای جبران شکست‌ها و ناکامی‌های خود، به جرم و جنایت نگراید، به خودکشی پناه می‌آورد. (بستان (نجفی)، ۱۳۸۷، ۹۸-۹۹)



۶. مهار اجتماعی

مهار اجتماعی از دیگر کارکردهای مهم خانواده است که یا از به صورت مستقیم و یا به طور غیر مستقیم و با پیامد کارکردهایی چون ارضای نیاز جنسی و عاطفی، حمایت، مراقبت و جامعه‌پذیری محقق می‌شود.

البته با رواج بینش‌های فردگرایانه و آزادی‌خواهانه در جوامع غربی، نقش خانواده در مهار مستقیم رفتار همسران و فرزندان بسیار کاهش یافته است. همچنین به سبب نابسامانی‌های فزاینده خانوادگی و گسترش پدیده‌هایی مانند روابط جنسی آزاد، طلاق و خانواده‌های تک‌سرپرست که بر کارکردهای دیگر نهاد خانواده نیز تأثیر می‌گذارد، نقش خانواده در مهار غیر مستقیم اعضا نیز کاهش یافته است. با وجود این، به باور برخی جامعه‌شناسان، خانواده در جوامع جدید نیز نخستین عامل مهار اجتماعی، به ویژه مهار جنسی بزرگسالان است. بسیاری از جامعه‌شناسان، این کارکرد را به صراحت در ردیف کارکردهای خانواده نیاورده‌اند، ولی در حوزه‌های دیگری مانند آسیب‌شناسی اجتماعی و جرم‌شناسی، به این موضوع توجه بیشتری شده است. بنابراین، با توجه به اهمیت کارکرد مهار خانواده، بحث را در دو محور همسران و فرزندان پی می‌گیریم.

الف. مهار همسران

کنترل مستقیم هر یک از دو زوج بر رفتارهای طرف مقابل، به ویژه رفتارهای جنسی خارج از چهارچوب ازدواج، امری است که در بسیاری از فرهنگ‌های گذشته و حال به چشم می‌خورد، هرچند به دلیل عواملی مانند قدرت بیشتر مردان و نقش‌های جنسیتی متفاوت زن و شوهر، این کنترل بیشتر از سوی مردان نسبت به زنان اعمال شده است. کنترل جنسی زنان به دست شوهرانشان از گذشته‌های بسیار دور وجود داشته و این روش همواره دارای پشتوانه‌های نیرومند فرهنگی، دینی و فلسفی بوده است. به نظر می‌رسد بیشتر فیلسوفان و اندیشمندان اجتماعی با این نظر **ژان ژاک روسو** موافق بوده‌اند که شوهر باید بر رفتار همسرش نظارت کند؛ زیرا برای او اهمیت دارد که بداند کودکانی که ناگزیر از شناسایی و پرورش آنها است، به کسی جز خودش تعلق ندارند. (بستان (نجفی)، ۱۳۸۷، ۹۷-۹۸) به همین دلیل در فرهنگ دین، اصل ازدواج و تشکیل خانواده، تشویق فراوان شده است.

بدیهی است نخستین گام برای اجرایی شدن ظرفیت‌های خانواده در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، اصل تشکیل خانواده است. فراتر از مهار جنسی، بر ارضای نیازهای جنسی و عاطفی در خانواده نیز تأکید شده است. نقش ارضای جنسی و عاطفی زن و شوهر در کاهش کج‌روی‌های اجتماعی، به ویژه تخلفات جنسی، نیازی به استدلال ندارد و پیش‌تر به نمونه‌ای از اعتراف‌های جامعه‌شناسان غربی در این باره اشاره شد. در شماری از آیات قرآن و روایات اسلامی، مفهوم ازدواج با واژه «احسان» آمده است. «احسان» از «حصن» به معنای «دژ و قلعه» است و به این مطلب اشاره دارد که هر یک از دو زوج برای دیگری، به منزله دژ و قلعه‌ای است که او را از افتادن در ناهنجاری‌های جنسی نگاه می‌دارد. روایات دیگری نیز جلوگیری از طغیان شهوت و انحرافات جنسی را از دیگر آثار ارزشمند ازدواج برشمرده‌اند.

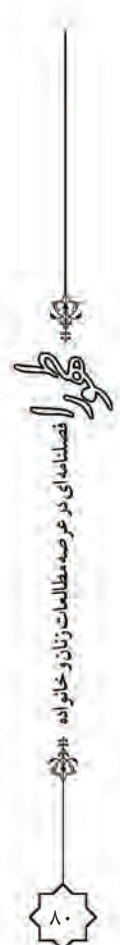
عن جعفر بن محمد، عن أبيه عليه السلام قال: قيل له: ... فما بال المؤمن قد يكون أنكح شيء؟ قال: لأنه يحفظ فرجه عن فروج لا تحل له لكيلا تميل به شهوته هكذا وهكذا، فإذا ظفر بالحلال اكتفى به واستغنى عن غيره.

از امام جعفر صادق عليه السلام روایت شده که از پدرش پرسیدند: چرا مؤمن از دیگران به نکاح و دفع غریزه جنسی مشتاق‌تر بوده، از همه مبادرتش بیشتر است؟ حضرت فرمود: زیرا مؤمن می‌خواهد خود را از نامحرمان بر حذر داشته، نسبت به فروچی که بر او حرام هستند، تعدی نکند. بنابراین نمی‌گذارد شهوتش به هر طرف میل کند بلکه آن را مهار می‌نماید، ولی (!) وقتی به حلال دست یابد، به آن اکتفا کرده و با استفاده کامل از آن، خود را از غیرش مستغنی و بی‌نیاز قرار می‌دهد.

(حر عاملی، ۱۳۶۷، ۲۱/۱۴)

در سوره بقره آیه ۱۸۷ زنان را لباس مردان و مردان را لباس زنان معرفی می‌کند «هن لباس لکم و انتم لباس هن» و به این نکته ظریف اشاره دارد که همان‌گونه که لباس، زشتی‌ها و شرمگاه‌های بدن را می‌پوشاند، زینت انسان است و آبروی او را حفظ می‌کند، زن و شوهر نیز با برآوردن نیازهای متقابل جنسی و جلوگیری از کج‌روی، زشتی‌های هم را می‌پوشاند و به این ترتیب، زینتی برای یکدیگر خواهند بود. (سید قطب، ۱۴۰۸ه، ۱۷۴)

ناگفته نماند که فلسفه ازدواج موقت در اسلام، تا حدود زیادی به این مسئله ارتباط دارد. تردید نیست که برخی محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر مانند کاستی‌های جسمانی، دوری از



خانه و مهیا نبودن شرایط تشکیل خانواده، ارضای نیاز جنسی را در خانواده ناممکن می‌سازد. ازدواج موقت، جایگزینی قانونمند برای خانواده است که در صورت نهادینه شدن، می‌تواند بخشی از کارکردهای خانواده را در تنظیم رفتار جنسی و پیش‌گیری از کجروی اجتماعی اجرایی کند. (بستان (نجفی)، ۱۳۸۷، ۱۰۲-۱۰۳)

موضوع دیگری که به نقش کنترلی خانواده، عینیت بیشتری می‌بخشد، مسئله غیرت جنسی است. غیرت‌ورزی جنسی از اخلاق جنسی نشأت می‌گیرد و بروز و رشد آن، بیش از هر جای دیگر، در محیط خانواده به چشم می‌خورد. برخلاف دیدگاهی که غیرت را از مقوله حسادت و فقط محصول عوامل فرهنگی و ناشی از گرایش مردان به تملک زنان می‌داند، روایت‌های اسلامی با ارزش‌گذاری بر این صفت، آن را در کاهش کجروی جنسی، مؤثر می‌دانند و با طبقه‌بندی غیرت و حسد در دو حوزه متباین ایمان و کفر، تمایز و تقابل این دو صفت را به خوبی نمایان می‌سازند. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ۱۰۷/۱۴-۱۱۱)

ب. مهار فرزندان

توجه اعضای بزرگ‌تر خانواده و به ویژه والدین به رفتار فرزندان، دارای دو جنبه مستقیم و غیر مستقیم است. جامعه‌شناسان از میان عوامل گوناگونی که بر کجروی فرزندان تأثیر می‌گذارد، چند عامل خانوادگی را شناسایی کرده‌اند. گذشته از ضعف نظارت مستقیم بر رفتار فرزندان که در خانواده‌های تک‌سرپرست بیشتر دیده می‌شود، عوامل دیگری مانند ستیز و ناسازگاری پدر و مادر، نبود روابط گرم، محبت‌آمیز و حمایت‌گرانه میان والدین و فرزندان، کجروی والدین و بدرفتاری و خشونت آنان با فرزندان نیز در گرایش فرزندان به ناهنجاری و ارتکاب جرم، مؤثر شناخته شده‌اند. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ۱۰۰/۱۴)

از این رو، اسلام ضرورت تربیت دینی و اخلاقی فرزندان را از رسالت‌های خانواده می‌داند و مورد تأکید قرار داده است. تربیت دینی و اخلاقی فرزندان، به معنی آشنا ساختن آنان با ارزش‌های دینی و فضایل اخلاقی و عملی، از وظایفی است که بیش از دیگر عوامل جامعه‌پذیری بر عهده والدین نهاده شده است. اسلام همچنین نظارت والدین بر رفتار فرزندان را سفارش فراوان نموده است. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ۱۵/۱۹۳-۱۹۵)

نتیجه‌گیری

از مجموع متون دینی به دست می‌آید که مبنای نظری ازدواج، پیدایش و تربیت نسل توحیدی است و بر همین اساس:

۱. نباید از راه هم‌جنس‌خواهی، غریزه را ارضا کرد تا امکان تداوم نسل توحیدی فراهم شود؛
۲. نباید خارج از چارچوب خانواده، روابط جنسی وجود داشته باشد تا فرزندان به صورت نامشروع متولد نشوند؛

۳. باید ازدواج کرد تا فرزندان برای تأمین هدف ازدواج، به وجود آیند؛

۴. باید میان همسران پیمان بسته شود تا هم محیطی آرام و پایدار برای تربیت فراهم شود و هم اختصاصی بودن همسر تضمین گردد و از این رهگذر، از اختلاط نسب و همچنین از تشویش و اضطراب همسران (به دلیل ناپایداری خانواده) کاسته شود.

خانواده در شکل‌های مختلف، کارکردهای گوناگونی دارد. از نظر جامعه‌شناسان غربی مثل ویلیام آگبرن و کلارک تیبیتیس، خانواده شش کارکرد اساسی دارد که عبارتند از: تولید مثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عاطفه و همراهی، تأمین پایگاه اجتماعی.

در رویکرد دینی، فراتر از این کارکردها باید به آموزش، تربیت دینی، تأمین پدر مشروع، مهار اجتماعی، تأمین نیازهای اقتصادی، انتقال کالاهای مادی، گذراندن اوقات فراغت، رشد و تثبیت شخصیت، استمرار تضادهای اجتماعی و ایجاد تغییرات اجتماعی اشاره کرد.



* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۶۴). *من لا یحضره الفقیه*. قم: بنیاد فرهنگ اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۸۰). *علل الشرائع*. ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی. قم: انتشارات مؤمنین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۴۰۳). *معانی الاخبار*. قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۹۶۷م). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. اصفهانی، زاغاب. (۱۳۷۵). *المفردات فی غریب القرآن*. تهران: مرتضوی.
۶. بستان (نجفی)، حسین. (۱۳۸۷). *جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*. تهران: دنیای دانش.
۸. حجازی، سید مهدی. (۱۴۱۹ه). *درر الاخبار*. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه*. تهران: اسلامیه.
۱۰. حرانی، ابن شعبه. (۱۴۰۴). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۵). *لغت نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. سید ابن طلوس. (۱۴۱۱). *مهج الدعوات و منهج العبادات*. قم: دار الذخائر.
۱۳. سید رضی. (۱۳۸۷). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۴. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲ه). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.
۱۵. شعیری، تاج الدین. (۱۴۰۵ه). *جامع الاخبار*. قم: انتشارات رضی.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). *کتاب التفسیر*. به تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: چاپخانه علمیه.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ه). *کتاب العین*. قم: انتشارات هجرت.
۱۹. قائمی، علی. (۱۳۷۰). *نقش مادر تربیت*. تهران: انتشارات امیری.
۲۰. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۵). *حقوق مدنی خانواده*. تهران: انتشارات بهمن برنا.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۱ه). *کافی*. به تحقیق علی اکبر غفاری. بیروت: دارالصعب و دارالتعارف.
۲۳. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). *جامعه شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۲۴. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام. (۱۴۲۵ه). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۵. المجلسی، محمد بن باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ه). *بحار الانوار الجامعه اخبار الدرر ائمه اطهار*. بیروت: وفا.
۲۶. محمدتقی، مجلسی. محمد بن باقر بن محمدتقی. (۱۳۷۹). *توحید مفضل*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. معین، محمد. (۱۳۶۲). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیر کبیر.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). *تفسیر نمونه*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مهیار، رضا. (بی تا). *فرهنگ ابجدی عربی - فارسی*. بی تا: بی جا.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی